

فصل اول

پیرامون زبان و گفتار

فیزی انواع
است که

با بود. از
د.

کده علوم
هد تشکر

ب آقای

زوهشگاه

طرح با

فارسی

ارتباط، زبان و گفتار

ارتباط به معنی فرایندی است که به موجب آن اطلاعات، عقاید و پیام‌ها بین مردم مبادله می‌شود. ارتباط می‌تواند به شکل ساده و مستقیم و بدون استفاده از زبان رسمی و بدون واژه‌ها بوقوع پیوندد. زبان شیوه‌ای برای برقراری ارتباط است. زبان نظامی سازمان یافته از علائم و نشانه‌هاست که گروهی از مردم از آن برای معنای مشترک استفاده می‌نمایند. علائم و نشانه‌ها در گفتار به شکل آوایی، در نوشتار به شکل نمادهای نوشتاری و در زبان اشاره، با استفاده از حرکات دست می‌باشند (بوچنر^۱، جونز^۲، ۲۰۰۳). زبان گفتاری یا نوشتاری یا اشاره، نظامی از نمادها را برای انتقال معنی بکار می‌گیرند (بیسون^۳ و پلانتي^۴، ۲۰۰۸).

نظام حاکم بر نمادهای زبان، بر قوانین موجود در آن زبان دلالت دارد. بنابراین افرادی که از زبان و نمادهای آن استفاده می‌کنند باید قوانین آن زبان را بشناسند تا بتوانند پیامهای خود را به دیگران انتقال دهند.

نمادهای آوایی در گفتار، با حرکات لب، زبان، فک، حلق و حنجره تولید می‌شوند. هر گوینده برای ارسال پیام گفتاری خود، معمولاً مجموعه‌ای از صداهای گفتاری را تولید می‌کند. کوچک‌ترین واحد در زبان گفتاری که انتقال دهنده معنی است تکواژ نامیده می‌شود. مطالعه در باره‌ی تکواژها و چگونگی ترکیب تکواژها، علم تکواژ شناسی است. تکواژهایی که به تنهایی کاربردی ندارند و معنی آنها در پیوند با سایر تکواژها آشکار می‌گردد، تکواژه‌های مقید نام دارند. تکواژه‌های آزاد به طور مستقل معنی دارند (متیوس^۵، ۱۹۷۴). برای مثال، پسر در کلمه‌ی «پسران» تکواژ آزاد و تکواژ «ان»، تکواژ مقید می‌باشد.

قوانین دستور زبان توضیح می دهند که کلمات و تکواژها در زبان چگونه با یکدیگر ترکیب و سازمان بندی می شوند و در یک توالی قابل قبول و قابل درک به منظور کد گذاری معانی خاص تولید می شوند. مطالعه توالی کلمات در جمله و قوانین مربوط به این توالی، نحو نامیده می شود (بارت^۱، ۱۹۹۹). در یک ارتباط کلامی، گوینده پیام خود را که حاوی معنی است، با هدف خاص برای شنونده ارسال می نماید. علم معنی شناسی، علم مطالعه معناست (لاینز^۲، ۱۹۷۷) معنی با اجزای مختلف زبان، اعم از تکواژها، کلمات و جملات، مرتبط است.

اهداف کاربرد زبان گفتاری در علم کاربردشناسی مورد مطالعه قرار می گیرد. آنچه که علم کاربرد شناسی بررسی می کند عبارتند از: کارکردهای ارتباطی مثل درخواست عمل، درخواست اطلاعات، دادن اطلاعات، بیان احساسات، مکالمه و گفتگو مثل توصیف وقایع، تعریف داستان و جوک گویی، ویژگیهای بافتها و تأثیر محتوای آنچه می گوییم.

مکالمه و گفتگو مستلزم مهارتهای مختلف است. فرد باید نقش گوینده و شنونده را با رعایت نوبت بپذیرد و در سخنرانی و بحث، جملات را بطور مناسب و با ربط منطقی به یکدیگر پیوند دهد (بارت، ۱۹۹۹).

زبان گفتاری دارای جنبه های مختلف اعم از معنی شناسی، تکواژشناسی، نحو، واجشناسی و کاربرد شناسی است. بنابراین، گوینده از قوانین مختلف پیروی می کند تا پیام خود را برای برقراری ارتباط موفق، به شنونده ارسال نماید.

فراگیری زبان

کودک در بدو تولد قادر به سخن گفتن نیست و نمی تواند در یک ارتباط کلامی شرکت کند. صدای گریه ی کودک نشان دهنده ی نیازها و مشکلات جسمی اوست مثل گرسنگی و درد و ناراحتی. به تدریج در سالهای اولیه دوران رشد، کودکان زبان جامعه خود را فرامی گیرند و از زبان گفتاری برای برقراری ارتباط استفاده می کنند.

فراگیری زبان در بردارنده ی دو مهارت یعنی توانایی درک گفتار دیگران و توانایی تولید گفتار می باشد. کودکان قبل از اینکه گفتار را بکار ببرند نیازمند درک کلمه و درک ساختار دستوری گفتار دیگران هستند.

قبل از بیان اولین کلمات، کودک تولید صداها را آغاز می‌کند. کریستال^۱ (۱۹۹۷) آواسازی کودک را در ۵ مرحله به تفکیک توضیح می‌دهد:

مرحله اول (تولد تا ۸ هفتگی): صداها ی زیستی پایه در اولین هفته‌های زندگی کودک صداهایی را تولید می‌کند که منعکس کننده حالات و فعالیتهای زیستی اوست. گرسنگی، درد و ناراحتی علت گریه اوست (سر و صداها ی انعکاسی). سر و صداها ی ناشی از تنفس و خوردن و دفع به صداها ی نباتی منجر می‌گردد. این صداها ناشی از مکیدن، بلعیدن، سرفه کردن و آروغ زدن است.

مرحله دوم (۸ تا ۲۰ هفتگی): بغغو و لبخند زدن بین ۶ تا ۸ هفتگی اولین صداها ی بغغو تولید می‌شوند، زمانی که کودک در وضعیت آرامش قرار داشته باشد، صداها یی شبیه وا که‌های کوتاه، صداها یی مشابه همخوان که در عقب دهان تولید می‌شوند و کیفیت خیشومی دارند، تولید می‌کند. بتدریج این صداها با بسامد و گوناگونی‌های بیشتری تولید می‌شوند. علاوه بر این کودک به لبخندها و گفتار مادرش پاسخ می‌دهد.

مرحله سوم (۲۰ تا ۳۰ هفتگی): بازی‌های صوتی این بازی‌های صوتی، طولانی‌تر و با ثبات‌تر از بغغو کردن است. اجزاء آن شامل توالی‌های همخوان + وا که است که به طور پیاپی تکرار می‌شوند. صداها ی خیشومی و سایشی در قسمتهای مختلف دهان تولید می‌شوند.

مرحله پنجم (۲۵ تا ۵۰ هفتگی): غان و غون مجموعه‌ای از صداها با تکرار و ثبات بیشتر تولید می‌شوند [bababa] که غان و غون تکراری نامیده می‌شود (با همخوانها و هجاها ی یکسان)

ریتم گفته‌ها و طول هجاها مشابه هجاها یی است که در گفتار شنیده می‌شود. گفته‌های غان و غون معنی ندارند. اما با کلماتی که در گفتار استفاده می‌شود شباهت دارند.

با یکدیگر ترکیب
گذاری معانی خاص
و نامیده می‌شود
ت، با هدف خاص
(۱۹۹۷) معنی با اجزای

رد. آنچه که علم
عمل، درخواست
تغریف داستان و

نونده را با رعایت
کدیگر پیوند دهد

و، واجشناسی و
را برای برقراری

شرکت کند.

سنگی و درد و
گیرند و از زبان

توانایی تولید
درک ساختار

مرحله پنجم (۹ تا ۱۸ ماهگی): گفته‌های آهنگین

گوناگونی در آهنگ و ریتم و تون صدا، مشخصات اصلی گفته‌های کودک هستند. والدین به این گفته‌ها معنی می‌دهند. مثل سؤال کردن، صدا زدن، سلام دادن، درخواست کردن. در این سن واژه‌ماندها آغاز می‌شوند.

درک گفتار:

بین ۲ تا ۴ ماهگی، کودکان پاسخ به معانی آهنگهای مختلف صدا مثل خشم، نرمی و مهربانی و صداهای بازی گونه را آغاز می‌کنند.

حدود ۶ ماهگی گفته‌های مختلف مثل بای بای کن و دست بزن را درک می‌کنند و در مقابل سؤال عکس‌العمل نشان می‌دهند. ممکن است برخی از واژه‌های منفرد را تشخیص دهند مثل اسم اعضای خانواده.

اغلب کودکان در آخر سال اول زندگی، چند کلمه را درک می‌کنند (کریستال، ۱۹۹۷) در واقع کودکان قبل از اینکه زبان بگشایند و اولین کلمات را بیان کنند برخی کلمات را درک می‌کنند. بنظر می‌رسد اولین کلمه‌ای که کودکان به آن پاسخ می‌دهند نام خودشان است (هوف^۱، ۲۰۰۹).

حدود ۸ ماهگی کودکان درک برخی عبارات مثل «بیا اینجا» را درک می‌کنند (فنسون^۲ و همکاران، ۱۹۹۷). ۱۲-۷ ماهگی اسم خودش را می‌شناسد و کلمات آشنا را تشخیص می‌دهد. ۱۸-۱۳ ماهگی از دستورات ساده پیروی میکند (شیپلی و مک آفی، ۲۰۰۴).

با افزایش سن واژگان درکی کودک بیش از پیش افزایش می‌یابد. واژگان درکی کودک بیشتر از واژگان بیانی اوست. اما برخی کودکان ممکن است کلماتی را بیان کنند که درکی از آن ندارند (هوف، ۲۰۰۹).

بیان گفتار:

کودک با بیان اولین کلمات، استفاده از زبان گفتاری را برای برقراری ارتباط آغاز می‌کند. پیش از این، کودک از حرکات دست، حالات چهره، گریه و آواسازی برای بیان نیازها و احساسات خود استفاده می‌کرد. اما با بیان کلمات او استفاده از زبان قانونمند جامعه خود را آغاز می‌نماید. کودک باید بتواند قوانین زبان مادری‌اش را یاد بگیرد تا در ارسال پیام شفاهی خود موفق باشد.

کودکان معمولاً اولین کلمات خود را در سنین ۱۰ تا ۱۵ ماهگی بیان می کنند (بندیکت^۱، ۱۹۷۹، فنسون و همکاران ۱۹۹۴).

سرعت افزایش واژگان بیانی کودک تا قبل از ۲۴ ماهگی به کندی پیش می رود و معمولاً بین ۱۵ تا ۲۴ ماهگی کودکان به توانایی بیان ۵۰ کلمه دست می یابند. حدود ۶۰ درصد از واژگان را اسامی تشکیل می دهند (نلسون^۲، ۱۹۷۳). نلسون واژگان کودکان را به ۶ طبقه شامل اسامی خاص، اسامی عام، واژه های فعل، واژه های اجتماعی، واژه های دستوری و توصیف کننده ها تقسیم کرد. کریستال (۱۹۹۷) محتوای اولیه کلمات کودکان را به صورت زیر طبقه بندی کرده است:

افراد، اعمال، غذاها، لباس، حیوانات، وسایل نقلیه، اسباب بازی ها، اشیاء خانه، مکانها، کلمات اجتماعی، کلمات توصیفی، کلمات موقعیتی.

- افراد: شامل خویشاوندان و افرادی که با آنها زندگی می کنند (پدر، مادر)
- اعمال: شامل اعمال روزمره و حرکت اجسام (دادن، رفتن، بوسیدن، بای بای، سلام)
- غذاها: غذاها و وعده های غذایی (شام، شیر، سیب، آبمیوه، نوشیدنی)
- اعضای بدن: معمولاً ابتدا کلمات مربوط به صورت (بینی، دهان) سپس دیگر قسمتها (پاها و دستها)

- لباس: شامل انواع پوشیدنی ها (کت، کفش، پوشک)
- حیوانات: حیوانات واقعی یا از روی تصاویر یا در تلویزیون (سگ، گربه، شیر)
- وسایل نقلیه: وسایل نقلیه و صدای آنها (ماشین، هوهو چی چی)
- اسباب بازی ها و بازی ها: توپ، لگو، عروسک، قایم باشک
- اشیاء خانه: معمولاً آنهایی که بطور روزمره از آنها استفاده می شود (فنجان، قاشق، مسواک، ساعت)

- مکانها: کلماتی مثل بالا، تو، آنجا
- کلمات اجتماعی: صداها و اصواتی که در پاسخ بکار می روند (ها، نه، بله، اوهوم)
- کلمات توصیفی: صفات ابتدایی مثل داغ، خوشگل، بزرگ